

ایدئولوژی، اخلاق، سیاست

www.ketab.ir

سرشناسه: ریمور، پل، ۲۰۰۵-۲۰۰۳ م.

Ricoeur, Paul

عنوان و نام پدیدآور: ایدئولوژی / ریاست / نویسنده پل ریکور؛

ترجمه‌ی مجید اخگر

مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۵

مشخصات ظاهری: ۲۲۷ ص.

شابک: 978-600-229-468-5

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Du texte à l'action

یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان "From text to action, 2007"

به فارسی برگردانده شده است.

موضوع: هرمنوتیک

موضوع: نقد

موضوع: ایدئولوژی

شناسه‌ی افزوده: اخگر، مجید، ۱۳۵۳، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۹۱۳۹۵ الف ۹۳ / ر ۲۴۳۰

رده‌بندی دیویی: ۱۹۴

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۳۷۲۲۹۲۲



cheshmehpublication



telegram.me/cheshmehpublication

www.cheshmeh.ir

رده‌بندی نشر چشمه: فلسفه

ایدئولوژی، اخلاق، سیاست

پل ریگور

ترجمه‌ی مجید اخگر

ویراستار: فاطمه الله‌وردی

مدیر هنری: مجید عباسی

لیتوگرافی: هماگرافیک

چاپ: دالاهو

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

اپ اول: زمستان ۱۳۹۵، تهران

لرغنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ: شار، غوطه و مخصوص نشر چشمه است.

هرگونه اقتباس، معاده از این اثر، به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۴۶۰-۹

تلفن دفتر مشاورات سرچش

۰۲۱ ۸۴۰۵۰۹

دفتر فروش نشرچشمه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان، خیابان رحید نظر، شماره ۳۵.

تلفن: ۶۶۴۹۲۵۲۴

کتاب‌فروشی نشرچشمه‌ی مرکزی

تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش میرزای شیرازی، شمار ۱۰۱

تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

کتاب‌فروشی نشرچشمه‌ی کورش:

تهران، بزرگراه ستاری شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کورش، طبقه‌ی پنجم، شمار ۱۰۱

تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸-۹۰

کتاب‌فروشی نشرچشمه‌ی آرن:

تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرحزادی، نرسیده به بزرگراه نیایش، خیابان حافظی، نبش خیابان فخارمقدم،

مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲.

تلفن: ۷۵۹۳۵۴۵۵-۷

فهرست

۷	یادداشت مترجم
۱۳	میان ایدنولوژی و اتوپیا. ریچارد کِرَن
۳۵	درباره‌ی تأویل
۶۳	دیدگاه هگل و هوسرل درباره‌ی بینادذهنیت
۹۱	علم و ایدنولوژی
۱۲۷	هرمنوتیک و نقد ایدنولوژی
۱۷۹	ایدنولوژی و اتوپیا
۲۰۳	اخلاق و سیاست
۲۲۱	یادداشت‌ها

یادداشت مترجم

۱

پل ریکور، فیلسوف فرانسوی که چند سال پیش درگذشت، در ایران چهره‌ی ناشناخته‌ای نیست؛ اما کار او بیشتر در سایه‌ی نام‌های جذاب‌تر و پُر هیاهو تر فلسفه و نظریه‌ی معاصر قرار داشته و پتانسیل‌های بسیار بزرگی برای موقعیت تاریخی حاضر، تا حدود زیادی کشف نشده باقی مانده‌اند. البته همین مسئله، با دلایلی مشابه و متفاوت، در صحنه‌ی فلسفه‌ی جهان نیز در سطحی دیگر مصداق دارد: در گزیده‌ی مقالات، بحث‌ها و ارجاعات، با نام گادامر به عنوان نماینده‌ی فلسفه‌ی هایدگرتیک مدرن بسیار بیش از ریکور روبه‌رو می‌شویم. دلایل دیگر این اولویت هر یک از این دو فیلسوف از جمله این که هیچ‌یک کتاب ریکور را نمی‌توان از جهت عرضه‌ی جامع و نظام‌مند دیدگاه‌ها، با جایگاه حقیقت و روش در کلی‌خروجی حیات فکری گادامر مقایسه کرد. به نظر می‌رسد یکی از علل اصلی این مسئله نوعی از «خلوص» و یکپارچگی فلسفی باشد که می‌تواند در آثار گادامر سراغ گرفت: کار گادامر را با صراحت و سادگی بیشتری می‌توان به یک سنت فکری و پیشینه‌ی فلسفی خاص نسبت داد، در صورتی که در مورد ریکور، امکان و محدوده‌های گفت‌وگویی میان سنت‌های فکری متفاوت و گاه متخالف به یکی از بنیان‌های کار فلسفی بدل می‌شود. در نتیجه، کار او برای آن جریانی از فکر اروپایی که از نیمه‌های قرن بیستم با ساختارگرایی و پساساختارگرایی فرانسوی آغاز می‌شود و

تازمان حاضر الگوی غالب فلسفه‌ی قاره‌ای را تشکیل می‌دهد، احتمالاً بیش از حد سنت‌گرا یا «غیرانتقادی» است؛ و برای آن جریانی از پدیدارشناسی که کار خود را ذیل وفاداری تام و تمام به پروژه‌ی هوسرل و هایدگر تعریف می‌کند، بیش از حد امروزی است و در واقع در حکم عدول یا بازگشت از وجه «بنیادین» آن است.

کار ریکور به نسبت گادامر «ناخالصی» بیشتری دارد، و اتفاقاً همین ناخالصی را می‌توان - از این منظر - امتیاز او در مقابل کسی چون گادامر به شمار آورد. اگر بتوان رمنوتیک گادامر را با اندکی مسامحه «تلاش در جهت یادآوری و بازیابی خاستگاه‌های فلسفه مدرن در ساختار پیش‌فهم‌ها و تاریخ‌مندی انسانی» دانست، کار ریکور را باید نوعی «دانش فهم و گفت‌وگوی انتقادی نامحدود در جهت تحقق آینده‌های بالقوه‌ی این علم» به شمار آورد. ریکور به عنوان کسی که آگاهانه پروژه‌ی فکری خود را درون سنت فکری پدیدارشناسی و رمنوتیک دنبال می‌کند، در عین حال در مورد فروید و مارکس کتاب و مقاله‌ها نوشته، با دانشمندان علوم تجربی به بحث می‌نشیند، و به سیاست و اقتصاد می‌اندیشد. البته این پروژه‌ی میان‌رشته‌ای و میان‌گفتمانی خود را عمدتاً به دور از توهم رسیدن به سفافیت و همسخنی مطلق، و با آگاهی از نقش چارچوب‌ها، سنت‌ها، و پیش‌فرض‌هایی پیش می‌برد که باور دارد هر شکل از فهم بشری - یعنی فهم متناسب با شرایط تناهی - را آن‌ها زیر می‌پوشد. به این ترتیب کار ریکور وجهی انتقادی و امروزی پیدا می‌کند و امکان سخن گفتن با جریان‌ها و اندیشیدن به مسائلی را فراهم می‌آورد که در چارچوب پدیدارشناسی و رمنوتیک سنتی جایگاه چندانی نداشتند؛ و در عین حال سویی ایجابی یا «احیاگرانه» ای دارد که در فلسفه‌ی قاره‌ای چند دهه‌ی اخیر نشان چندانی از آن نمانده است.

ریکور شاید جذابیت و اغواگری کسی چون لاکان، فوکو یا دولوز را نداشته باشد؛ اما در عوض سنجیدگی و تعهد به حقیقتی در او هست که در شرایط تاریخی حاضر به شدت به آن نیاز مندیم. ریکور احتمالاً شور و شدت جوانی ما را ارضا نمی‌کند، و

با تکیه بر او نمی‌توانیم سخنان تند و عجیب و جالب بزنیم (چیزی که فلسفه در ایران تا حدود زیادی گرفتار آن آمده است)، اما در عین حال فلسفه‌ای بی‌خاصیت و «پیر» و بی‌فایده برای یک زندگی امروزی نیز به ما نمی‌دهد (چیزی که در نگاه سنتی به فلسفه به چشم می‌خورد). او را شاید بتوان با کسانی چون هابرماس و ریچارد تیلور مقایسه کرد، و عجیب نیست که هیچ‌یک از این چهره‌ها در میان جوانان فلسفه‌خوان ما چندان شناخته‌شده نیستند و کتاب‌های عمده‌ی آن‌ها کمتر به فارسی ترجمه شده‌اند. یکی از رجه کار ریکور که مکرراً بر آن تأکید می‌کند و در واقع می‌توان آن را حاصل قرائت فرفریان از هایدگر دانست، تأکید بر تناهی انسانی به عنوان پیش‌شرط هستی‌شناختی است. به نام انسان است؛ و تأکید بر مقوله‌ی وساطت (mediation) برای ایجاد نقی‌الانسانی، در برابر مخاطرات مختلفی که بر سر راه پروژه‌ای بنیادگرایانه و بنیادگرایانه، از نوعی که از بیدارشناسی انتظار می‌رود و در کار هایدگر تجلی آن را می‌بینیم قرار دارد؛ پس، این که ما همواره به مدد میانجی‌ها (ی‌عمدتاً زبانی) می‌توانیم به بنیادها و به حقیقت دست پیدا کنیم، و این که هرگونه دعوی رسیدن به نقطه‌نظری نهایی، غایی و بی‌واسطه، نقطه‌نظری نشود شده بر دانش مطلق، ما را با مخاطرات بسیاری روبه‌رو می‌سازد که تاریخ، ما را با بیاری از آن‌ها آشنا کرده است. و زمانی که این یکی از شروط یا تعاریف انسان بودن باشد، طبیعتاً نمی‌توان از چنین موجودی انتظار داشت که همواره صریح و بُرنده و قاطع باشد و فریاد و عمل کند؛ که حضوری «بی‌پروا» و حماسی داشته باشد. روی‌آوری ریکور به «دریمه‌ی دوم حیات فکری‌اش به حوزه‌ی عقل عملی، و حوزه‌هایی چون اخلاق، اجتماع، و سیاست را نیز در همین راستا می‌توان درک کرد.

کتابی که در دست دارید ترجمه‌ی بخش سوم گزیده‌ی مقالات مهمی از ریکور است که سال ۱۹۸۶ به زبان فرانسه و در ۱۹۹۱ به زبان انگلیسی با عنوان از متن تا کنش منتشر شد. عنوان کتاب اصلی، چنان که ریکور در مقدمه‌ی آن اشاره می‌کند، گویای نکته‌ی

روشنگری در مورد سیر مقالات کتاب و البته سیر کلی تر دغدغه‌های خود ریکور است: در حالی که او در دو دهه‌ی اول فعالیت خود بیشتر به مسائل مرتبط با تحلیل و تأویل متون یا به اصطلاح به «هرمنوتیک متن» می‌پردازد، از اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ به این سو به تدریج پیش‌ازپیش به جانب فلسفه‌ی عملی چرخش پیدا می‌کند و مفهوم و مدل «متن» را به نحوی گسترش می‌بخشد که کنش اخلاقی، اجتماعی، و سیاسی نیز در برمی‌گیرد. کتاب از متن تا کنش در عین این که از مجموعه مقالات مستقلی تشکیلا شده است که هر کدام بنا به مناسبتی به نگارش درآمده‌اند، در نحوه‌ی ترکیب و ترتیب مقالات نیز همین خط‌سیر را بازتاب می‌دهد: مقالات بخش نخست به تبیین درک ریکور از هرمنوتیک و تئیک پدیدارشناختی می‌پردازند؛ مقالات بخش دوم امکان‌گذار از هرمنوتیک متن و هرمنوتیک کنش را بررسی می‌کنند؛ و مقالات بخش سوم که ترجمه‌ی آن‌ها را در دست‌آورد با بد با تحلیل مقولاتی چون امر بیناذهنی، ایدئولوژی، و اتوپیا، عملاً رهیافت هرمنوتیکی را در آن حوزه به کار می‌گیرند. ویژگی خاص مقالات این بخش آن است که دو مفهوم ایدئولوژی و اتوپیا را درون چارچوب تحلیلی واحدی به نام تخیل یا بدل مخیله‌ی اجتماعی (social imaginarity) جای می‌دهند، و در نتیجه درک جاافتاده از مفهوم ایدئولوژی در سنت مارکس را نادیده می‌گیرند و به عنوان جزئی از یک چشم‌انداز وسیع‌تر بررسی می‌کنند. تحلیل‌های هرمنوتیکی ریکور تخطی و یکنواختی بالقوه‌ی بحث‌های مربوط به سیاست و اجتماع را از میان بره می‌دارند و پرتو تازه‌ای بر آن‌ها می‌افکنند، بدون این که حس کنیم در این جا با کسی سروکار داریم که از موضعی «خاص» (بخوانید غیر واقع‌نگرانه، نامربوط، انتزاعی) به این موضوعات می‌پردازد — معضلی که به شکاف میان فیلسوفان و سیاست واقعی، که تحت این شرایط صرفاً به «کار اجرایی» سیاستمداران حرفه‌ای بدل می‌شود، دامن می‌زند.

اما کتاب حاضر غیر از این پنج مقاله، دو مقاله‌ی دیگر نیز دارد که در ابتدا آمده‌اند. «درباره‌ی تأویل» مقاله‌ای از ریکور است که خود او آن را به عنوان مقاله‌ی آغازین کتاب از متن تا کنش در نظر گرفته است، و در آن به شیوه‌ای نظام‌مند محور اصلی پروژه‌ی

کاری خود در طول سه دهه‌ی پیش از آن تا اواسط دهه‌ی هشتاد را تشریح می‌کند. این مقاله امکان آن را فراهم می‌کند که مقالات این کتاب را در چشم‌انداز کلی‌تر فلسفه‌ی ریکور قرائت کنیم و به خواننده‌ی ناآشنا‌تر با ریکور این امکان را می‌دهد که به زبان خود ریکور با برنامه‌ی فلسفی او آشنا شود. اما مقاله‌ی ریچارد کرنی یکی از فصول کتاب موجز و درخشانی است که او با عنوان فرعی جغد میز وادر مورد فلسفه‌ی ریکور نوشته است (Richard Kearney, *On Paul Ricoeur, The Owl of Minerva*, Ashgate, 2004). ریچارد کرنی خود فیلسوفی است که در سنت هرمنوتیک ریکوری کار می‌کند، و در این مقاله مشخصاً و با ارجاع مکرر به مقالات کتاب حاضر، درک ریکور از مفاهیم ایدئولوژی، اتوبیوگرافی، و غیره در آن‌ها مخیله‌ی اجتماعی را تشریح می‌کند. به این ترتیب، این مقاله مقدمه‌ی یدئال است که ما را برای قرائت مقالات کتاب آماده می‌کند و درک روشنی از آماج و اهداف آن را به ما می‌بخشد. امیدوارم روزی فرصت و فراغت ترجمه‌ی متن کامل کتاب ریکور و کرنی حاصل شود. نکته‌ی آخر این که پانویس‌های صفحات از مترجم است.

ا.م.

فروردین ۱۳۹۱